

تکرار «من کنت مولاه» در غدیر خم

مشهور در میان مسلمانان این است که رسول خدا(ص) درواقع غدیر خم عبارت معروف «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» را دربار علی(ع) و جانشینی ایشان از پیامبر بیان کرده است، اما آیا رسول خدا این جمله را فقط در غدیر خم بیان فرمودند؟
آیا این عبارت فقط از اختصاصات غدیر است؟ و در جایی غیر از زبان مبارک پیامبر(ص) در شأن امیر مومنان (ع) بیان نشده است؟
عبارت (من کنت مولاه فهذا علی مولاه) دارای معنایی عینی و دلالتی روشن بر جانشینی امیرالمومنین است. لذا خیلی با ارزش و دارای اهمیت بالایی است، اکثر مردم تصور می‌کنند که این جمله فقط در غدیر خم، توسط پیامبر، در شأن امیرالمومنین بیان شده اما اگر این عبارت توسط رسول خدا در جایی دیگر نیز بیان شده باشد آیا نتیجه‌ای جز تاکید و تأیید خلافت و جانشینی امیرالمومنین خواهد داشت؟
آیا می‌توان از نام هر ماجرای غدیر و معنی (مولا) خدشه وارد کرد و بهانه گرفت؟
آیا می‌توان جایگاه وپزوه‌ای که متعلق به امیرالمومنین است را حق دیگران دانست؟

در این نوشتار با ذکر نمونه‌هایی بیان خواهیم کرد که این جمله مخصوص روز غدیر نیست؛ بلکه قبل از واقعه غدیرخم، رسول خدا این جمله را و نیز عبارات قریب به این مضمون در در شأن امیرالمومنین بیان فرموده است.

مورد اول: ماجرای مؤاخات (ایجاد برادری):
رسول خدا(ص) ۲مرتبه بین اصحابشان برادری ایجاد کردند.
به این صورت که دو نفر، دو نفر از اصحابشان را با هم، برادر اعلام می‌کردند.
ایبن ماجرا و ایجاد برادری، یک بار در مکه قبل از هجرت نیز مهاجرین صورت گرفت که امیرالمومنین برادر رسول خدا اعلام شدند و مرتبه دوم بعد از هجرت، در اوایل ورود به مدینه، بین مهاجرین و انصار اتفاق افتاد که اینجا هم امیرالمومنین برادر رسول‌الله برگزیده شدند.

در یکی از این مراسم، پیامبر عبارت (من کنت مولاة فقلی مولاة) را فرمودند.
انس بن مالک نقل می‌کند که در جریان مؤاخات، پیامبر هر کسی را با دیگری برادر اعلام کرده بودند و فقط امیرالمومنین تنها باقی مانده بود.
لذا به پیامبر عرضه داشتند که:
اُخیت بین المهاجرین و الانصار و انا واقف ترانی و تعرف مکاتبی و لم تؤاخ بیتی و بین احدی؛ یا رسول‌الله، بین مهاجرین و انصار ایجاد برادری کردید و من تنها ماندم، در حالی که جایگاه و منزلت مرا می‌دانید ولی بین من و کسی دیگری ایجاد برادری نکردید؟

رسول خدا فرمود: انما ادرتک لنفسی، علی یسرک أن تکون أخی نَبِیکَ؟
قال بلی یا رسول‌الله، اَنی لى بذلک، فاخذ بیده و اُرّاه المنبر فقال: اللهم هذا منى و انا منه، الا انا منه بمنزلة هارون من موسى، الا من کنت مولا فهذا علی مولاة.

رسول خدا فرمودند: یا علی، تو سا برای خودم باقی گذاشتم.
آیا خوشحال نیستی که برادر رسول خدا هستی؟

حضرت فرمودند: بلی یا رسول‌الله، بسیار خوشحالم.
پیامبر دست حضرت را گرفتند و بالای منبر رفتند و فرمودند: علی از من است و من از علی، آگاه باشید که علی برای من به منزله هارون است نسبت به موسی، آگاه باشید؛ هر کسی که من مولاى او هستم پس این علی مولاى اوست.

انس نقل می‌کند که: فانصرف علی قریرالعبین فاتبعه عمر بن الخطاب و قال یخ بیخ بالیحسن اصیبت مولاى و مولا کل مسلم، حضرت علی(ع) در حالی که خوشحال بودند برگشتند و عمر به دنبال ایشان می‌گفت تبریک و تهنیت ای ابوالحسن، که مولاى من و تمام مسلمین گشتی.

(احقاق الحق و ایزحاق الباطل، ج۵، ص ۸۰/الفصول المهمة، ۲۸، المناقب لابن المغازلی، ۴۲/منهاج الکرامه ص ۱۰۲)
مسورد دوم: در ماجرای آیه‌ه ولایت و دادن انگشتر به نیازمند
عمار بن یاسر می‌گوید:
وقف علی بن ابی‌طالب سائل و هو راکع فی تطوع فنزع خاتمه فاعطاه السائل.
فأتی رسول‌الله فاعلمه ذلک فنزلت علی النبی هذه الایة :
انما ولیکم الله و الذین اولئنا امنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکاة و هم راکعون»
فقراها رسول‌الله صلوة من کنت مولاة فهذا علی مولاة اللهم وال من والاه وعاد من عاداه، سائلی در مقابل امیرالمومنین ایستاده بود در حالی که ایشان در رکوع نماز بودند؛ حضرت انگشتر خود را به آن سائل بخشیدند.

رسول خدا نیز به مسجد آمدند و خیر دادن انگشتر را به ایشان دادند، پس این آیه ولایت نازل شد.
همانا این است و جز این نیست که ولی و سرپرست شما خدا و رسولش و کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و نماز را به پسا می‌دارند و زکات می‌دهند در حالی که در رکوع هستند.

رسول خدا این آیه را برای مردم خواندند، سپس فرمودند: (من کنت مولاة فهذا علی مولاة) (شواهد التنزیل ج ۱ ص ۱۷۳، ورواه الحمویفی فی فراند السمطین الباب التاسع والثلاثون ج ۱/۱۴۶، ۱۵۳، والستیوطی فی الدر المنثور ج ۲ ص ۶۹۳، والزردنی فی نظم درر السمطین ج ۸۶)

ماجرای غدیر خم

آخرین بار هم، زمانی که پیامبر با عبارت: اَلَسُنْتُ اُولی بکم من انفسکم… آیا من بر شما سزوارتر از خودتان نیستم؟ از مردم اقرار گرفت بر اینکه برترین فرد بر آنان است، سپس سخن گرانه‌های (من کنت مولاة، فهذا علی مولاة) را در محلی به نام غدیرخم، هجدهم ذی‌حجه، بر زبان مبارک جاری کردند و در شأن مولاى متقیان امیرمومنان حضرت علی(ع) بیان فرودند. (برای تفصیل بیشتر در مورد واقعه غدیر به کتاب غدیر نماز مرحوم غلامه امینی مراجعه شود)

مهدی حسین پور

برخی از وقایع تاریخی تأثیری شگرف در سرنوشت بشریت دارد: از جمله مهم‌ترین وقایع تاریخی می‌توان به واقعه غدیر خم اشاره کرد که به عنوان یک تغییر شگرف در سرنوشت بشر از سوی خداوند مطرح می‌شود؛ زیرا ولایت الهی پس از خاتم النبیین(ص) از ساختار نبوت و رسالت به ولایت مطلق تغییر مسیر می دهد و پس از هزاره ها، انسان به جایگاهی می رسدند که مسئولیتی تمام راه عنوان خلیفه کامل و تمام الهی به عهده می گیرد. این تغییر شگرف هر چند به مذاق شیاطین جنی و انسی خوش نیامد، ولی خواسته و ناخواسته زندگی بنسشر را در مسیری دیگر قرار داد، به گونه ای که دیگر حجت بالغ و رسای الهی به تمامیت و کمالیت رسید و دیگر هیچ عذر و بهانه ای برای مردمان باقی نگذاشت.

غدیر، عید ولایت کامل انسانی

حاروبن حضرت عیسی(ع) از خداوند یک مانده و غذای جسمی و مادی آسمانی می‌خواهند تا بدان وسیله حجت بر ایشان تمام شود و آنان آن روز را عید بگیرند. حضرت عیسی بن مریم(ع) این درخواست را به پیشگاه خداوند مطرح می‌کند. خداوند برای اتمام حجت، غذایی آسمانی فرم می‌فرستد و به حاروبن هشدار می‌دهد پس از این مانده آسمانی، در صورت کفر هر یک از آنان، غذایی شدید برایشان فرو خواهد فرستاد که تاکنون هیچ کسی را آن گونه عذاب نکرده است. خداوند در قرآن به این درخواست و پاسخ آن پرداخته است:عیسی بن مریم عرض کرد: «خاوند! پورودگاا! از آسمان مانده‌ای بر ما بفرستا تا برای اول و آخر ما، عیدی باشد و نشانه‌ای از تو؛ و به ما روزی ده! تو بهترین روزی دهنده‌گانی!» خداوند دعای او را مستجاب کرد و فرمود: «من آن را بر شما نازل می‌کنم؛ ولی هر کس از شما بعد از آن کافر گردد و راه انکار بوید، او را مجازاتی می‌کنم که احدی از جهانیان را چنان مجازات نکرده باشم!»مانده، آیات ۱۱۴ و ۱۱۵)

از آنجا که این مانده در روز یکشنبه نازل شده بود، مسیحیان آن روز را بزرگ داشته و تعطیل کرده و یک جشن هفتگی در روز یکشنبه و یک جشن سالیانه در سالگرد آن روز می‌گیرند؛ زیرا آن روز برایشان یک معجزه بزرگ و اساسی و تأثیرگذار در سرنوشتشان بود. البته هر یک از شرایع و مذاهب برای خودشان روزهای تاریخی سرنوشت‌ساز دارند که آن را پاس می‌دارند و برای یادبود آن برنامه‌ها و مراسم و آیین‌هایی دارند.

در آیات قرآن برخی از روزها به عنوان ایام الله (چانه)، آیه ۱۴) مطرح شده است؛ ایام الله روزهای است که یک تحول عظیم و سرنوشت‌ساز در آن روز رخ داده است. این رخدادها به سبب تغییراتی که موجب شده

عید غدیر

برای بخشی از مردمان یا همه مردمان خاطره‌ساز و سرنوشت‌ساز تلقی می‌شود.
از آنجا که روزهایباری خداوند یکسان است، این اضافه ایام به الله و خدا، به اعتبار تأثیر در سرنوشت مخلوق و بشر است؛ زیرا در اصطلاح قرآنی، یوم معانی چندی دارد که یکی از مهم‌ترین معانی نسبت خدا، به معنای تجلی و ظهور است؛ زیرا این تجلیات در چارچوب نظام هستی انجام می‌گیرد و با توجه به ظرفیت هستی، در فرآیندی تجلیات انجام می‌شود. این گونه است که سخن از ایام به معنی تجلیات و ظهورات خداوندی در مقام فعل نه ذات و صفات، در مراحل و مراتب گوناگون هستی است. به عنوان نمونه آسمان‌ها و زمین و نیز فرآیند چهار فصل زمین، در قالب ایام الله مطرح می‌شود که ظهورات خداوندی است. یا این تفاوت که این ظهورات و تجلیات، یک پیچ تاریخی برای هستی و جهان و انسان است.(نگاه کنید: اعراق، آیه ۵۵؛ یونس، آیه ۴۱، سجده ، آیه ۴)

از نظر آموزه های قرآن، روز رستاخیز از ایام الله است.
رسول خدا فرمودند: انما ادرتک لنفسی، علی یسرک أن تکون أخی نَبِیکَ؟
قال بلی یا رسول‌الله، اَنی لى بذلک، فاخذ بیده و اُرّاه المنبر فقال: اللهم هذا منى و انا منه، الا انا منه بمنزلة هارون من موسى، الا من کنت مولا فهذا علی مولاة.

امام باقر(ع) از پدر بزرگوارش امام صادق(ع) نقل کرد که فرمود: شیطان دشمن خدا چهار بار ناله کرد: روزی که مورد لعن خدا واقع شد و روزی که به زمین هبوط کرد و روزی که پیامبر اکرم(ص) مبعوث شد و روز عید غدیر.

است. خداوند می‌فرماید:
قَلْ لَّذِینَ آمَنُوا یُعْزَوُا لِلَّذِینَ لَا یَرْجُونَ اَیَّامَ اللّهِ لَیَجْزِی قَوْمًا بِمَا كَانُوا یَكْسِبُونَ
به مؤمنان بگو: «کسانی را که امید به اَیامِ الله – روز رستاخیز دارند، مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می‌دادند جزا دهد!»(احزاب، آیه ۴۸)

بنابراین، ایام الله روزهای تاریخی است که ظهورات و تجلیات خاص الهی در آن بروز و ظهور می‌کند. به عنوان نمونه در رستاخیز، این جهان جمع شده به جهانی دیگر تبدیل می‌شود. خداوند می‌فرماید:
یَوْمَ تُبَدِّلُ الْأَرْضَ غَیْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ وَتَرَوُوهُ لِوَجْهِ الْفَقَّارِ؛
در آن روز که این زمین به زمین دیگر و آسمانها (به آسمانهای دیگری) مبدل می‌شود و آنان در پیشگاه خداوند واحد قیهار ظاهر می‌گردند(ابراهیم، آیه ۴۸)

پس از نظر قرآن، روز رستاخیز از ویژگی خاصی برخوردار است که آن روز به خدا از باب تشریف و شرافت اضافه می‌شود.
خداوند، دست فرعون و فرعونیان مستکبر و ظالم فرستادیم و دستو دادیم قوی خود را از ظلمات به نور بیرون آر و ایام خدا را به آنها متذکر شو.(ابراهیم، آیه ۵)
در روایات تفسیری روز ظهور حضرت قائم آل محمد(ص) و برپایی حکومت جهانی صلح کل و عدل مطلق به عنوان ایام الله معرفی شده که آن نیز تحولی عظیم برای انسان و جهان و روز سرنوشت‌ساز است. (نگاه کنید: تفسیر نورالقلین، عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، ناشر انتشارات اسماعیلیان، قم، سال ۱۴۱۵ ق، نوبت چهارم، ج ۲، ص ۵۲۶)

از دیگر ایام الهی می‌توان به روز عید غدیر خم اشاره کرد که در آیات و روایات از آن به روز «کمال الدین و اتمام النعمه» یاد شده است.
خداوند می‌فرماید: امروز، کافران از (زوال) آیین شما مایوس شدند؛ بنابر این، از آنها نترسید؛ او از (مخالفت) من نترسید؛ امروز، همه شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم. (مانده، آیه ۳)
در روایات نیز از این روز سرنوشت‌ساز برای بشریت به عنوان عید خلافت و ولایت یاد شده است. زیاد

معارف

پرشش از نعمت ولایتی است که در آیه ۳ سوره مائده بیان شده و مطابق عظیم میان بشر و خدا بوده است. در تفسیر قمی به سند خود از جمیل از امام صادق(ع) روایت کرده که گفت: به آن حضرت عرضه داشتیم معنای آیه «لَمْ نَسْأَلْهُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّبِیمِ» چیست؟ فرمود: این امت بازخواست می‌شود از نعمت رسول الله و سپس از نعمت ائمه اهل بیتش. (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۰)
درکافی به سند خود از ابو حمزه روایت کرده که گفت: با جماعتی نزد امام صادق(ع) بودیم، حضرت دستور داد طعام بیاورند، طعامی آوردند که در تمام عمرمان لذیذتر و خوشبویتر از آن نخورده بودیم، بعد خرمایی آوردند که آنقدر شفاف و صاف و زیبا بود که همه را به تماشا واداشت، مردی از حصار گفت: بزودی از این نعمتی که نزد سسر بغیمبر از آن منتمع شدید بازخواست می‌شوید، امام (ع) فرمود: خدای عزوجل کریم‌تر و شناسش جلیل‌تر از آن است که طعامی به بندشان بدهد، و آن را برای شما حلال و گوارا بسازد، آن وقت بازخواستشان کند که چرا خوردید؟ بلکه منظور از نعم در آیه «لَمْ نَسْأَلْهُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّبِیمِ» تنها نعمت محمد و آل محمد(ع) است که به شما ازانی داشته است.(فروع کافی، ج ۶، ص ۲۸۰، ج ۳۰)

پس آنچه به این روز، ارزش داده، نعمت ولایتی است که به فرمان الهی حضرت پیامبر(ص) حضرت امیرالمومنین(ع)، روز عید غدیر خم را برترین عید امت دانسته و فرموده است: یوم غدیر خم افضل صواب امتی و هو الیوم الذی امرنی الله تعالی ذکره فیه نصب اخی علی بن ابی طالب علما لامتی، یهتدون به من بعدی و هو الیوم الذی اکمل لله الدین و اتم علی امتی فیه النعمه و رضی لهم الاسلام دنیا؛ روز غدیر خم بهترین عید غیر یوم الجمعة والظفر والاشحی؟ قال: نعم، البسوم الذی نصب فیه رسول الله(ص) امیرالمومنین(ع). بر امام صادق(ع) وارد شد و گفت: آیا مسلمانان عیدی غیر از عید قربان و عید فطر و جمعه دارند؟ امام(ع) فرمود: آری، روزی که رسول خدا(ص) امیرمومنان(ع) را (به خلافت و ولایت) منصوب کرد. (مصباح المتجهذ، ص ۷۲۶)

همچنین رسول خدا(ص)، روز عید غدیر خم را هر یک از آنان، غذایی شدید برایشان فرو خواهد فرستاد که تاکنون هیچ کسی را آن گونه عذاب نکرده است. خداوند در قرآن به این درخواست و پاسخ آن پرداخته است:عیسی بن مریم عرض کرد: «خاوند! پورودگاا! از آسمان مانده‌ای بر ما بفرستا تا برای اول و آخر ما، عیدی باشد و نشانه‌ای از تو؛ و به ما روزی ده! تو بهترین روزی دهنده‌گانی!» خداوند دعای او را مستجاب کرد و فرمود: «من آن را بر شما نازل می‌کنم؛ ولی هر کس از شما بعد از آن کافر گردد و راه انکار بوید، او را مجازاتی می‌کنم که احدی از جهانیان را چنان مجازات نکرده باشم!»مانده، آیات ۱۱۴ و ۱۱۵)

از آنجا که این مانده در روز یکشنبه نازل شده بود، مسیحیان آن روز را بزرگ داشته و تعطیل کرده و یک جشن هفتگی در روز یکشنبه و یک جشن سالیانه در سالگرد آن روز می‌گیرند؛ زیرا آن روز برایشان یک معجزه بزرگ و اساسی و تأثیرگذار در سرنوشتشان بود. البته هر یک از شرایع و مذاهب برای خودشان روزهای تاریخی سرنوشت‌ساز دارند که آن را پاس می‌دارند و برای یادبود آن برنامه‌ها و مراسم و آیین‌هایی دارند.

تاریخی بشریت

امیرمومنان علی(ع) را نصب کرده است. از این رو اعظم و اکبر و افضل اعیاد است. به امام صادق(ع) گفته شد: للمؤمنین من الایعاد غیر العیدین و الجمعة؟
قال: نعم لهم ما هو اعظم من هذا، یوم عید امیرالمؤمنین(ع)
فقد له رسول الله الولاية فی اعناق الرجال والنساء بغدیر خم؛
آیا مؤمنان غیر از عید فطر و قربان و جمعه عید دیگری دارند؟ فرمود: آری، آن عید بزرگتر از اینها هم دارند
آن روزی است که امیرالمؤمنین(ع) در غدیر خم بالا برده شد و رسول خدا مسئله ولایت را بر گردن زنان و مردان قرار داد.(وسائل الشیعه، ۷، ۲۲۵، ج ۵)
این همان عید آسمانی و الهی است که در آسمان مشهورتر از زمین است. امام رضاع(ع) فرمود: پدرم به نقل از پدرش (امام صادق(ع)) نقل کرد که فرمود: آن یوم الغدیر فی النساء اشهر منه فی الارض؛
روز غدیر در آسمان مشهورتر از زمین است.(مصباح المتجهذ، ۷۲۷)

چرایی ارزش عید غدیر

پرشش اساسی این است که چرا عید غدیر به عنوان پیچ تاریخی برای بشریت معرفی شده است؟
نقش ولایت و اکت انتصاب امیرمومنان علی(ع) در سرنوشت بشریت چیست؟

در پاسخ باید به آیات و روایاتی توجه کرد که به تبیین چرایی آن پرداخته است.
خداوند در آیات قرآن از جمله آیه ۳ سوره مائده، عید غدیر را روز «کمال الدین

امام باقر(ع) از پدر بزرگوارش امام صادق(ع) نقل کرد که فرمود: شیطان دشمن خدا چهار بار ناله کرد: روزی که مورد لعن خدا واقع شد و روزی که به زمین هبوط کرد و روزی که پیامبر اکرم(ص) مبعوث شد و روز عید غدیر.

قرآن و خداوند، «یَوْمَ نُحْجِ الْأُکْبَرُ ; روز حج اکبر و حج بزرگ تر است»(توبه، آیه ۳)، همچنین عید ولایت بزرگترین عید از نظر خداوند است.

در این روایت عنوان برجسته دیگری همچون «یوم العید الممهور و فی الارض یوم الميثاق الماخوذ و الجمیع المشهود» برای آن بیان شده که هر یک از این عناوین بیانگر چرایی اهمیت این روز سرنوشت‌ساز است؛ زیرا عید غدیر، روز عید انسان با خداوند و بازتابی از ميثاق بشری با او در «الاست» است که در آیات قرآن از جمله آیه ۱۷۲ سوره اعراف و آیه ۷۲ سوره احزاب بیان شده است.
در روایتی دیگر، عید غدیر، روز تجدید بیعت معرفی می‌شود تا این حقیقت که در قرآن بیان شده به مردم گوشزد شود.
عمار بن حریز گوید: دخلت علی ابي عبد الله(ع) فی یوم الثامن عشر من ذی الحجة فوجدته صائما فقال: لی هذا یوم عظیم عظم الله حرمة علی المؤمنین و اکمل لهم فیه الدین و تمم علیهم النعمة و جدد لهم ما اخذ علیهم و العهد والميثاق؛
روز مجددم خدا دبیحجه است. (وسائل المتجهذ، ۵، ۲۲۴، ج ۱)

و اتمام النعمه» دانسته است. در حقیقت با نصب ولایت، دین از نقصی به کمال و نقصی به تمام رسیده است. پس نعمت الهی با نعمت ولایت به تمامیت، و اسلام با ولایت به کمالیت خود رسید؛ زیرا ولایت الهی در قالب ولایت امیرمومنان علی(ع) ادامه می‌یابد. جالبین در این الله انصاری می‌گوید: سمعت رسول الله(ص) یقول لعلی بن ابی‌طالب(ع): یا علی ا انت اخی و وصی و وارثی و خلیفتی و امی فمتی قسی حیوتی و بعد وفاتی محکب و محلی و میبغض میبغض و عدوک عدوی.
از رسول خدا(ص) شنیدیم که به علی بن ابی‌طالب(ع) فرمود: ای علی! تو برادر و وصی و وارث و جانشین من در میان امت من در زمان حیات و بعد از مرگ من هستی. دوستدار تو دوستدار من و دشمن من کینه توڑ تو دشمن من است. (امالی صدوق: ۱۲۴، ج ۵)

از نظر آموزه‌های اسلام، مسئله ولایت، چنان از اهمیت برخوردار است که به عنوان مهم‌ترین پایه و ستون فقرات آن مطرح است؛ زیرا ولایت تاووم و استمرار رسالت در تمام زمان هاست.

در آیات قرآن برخی از روزها به عنوان ایام‌الله مطرح شده است؛ ایام‌الله روزهایی است که یک تحول عظیم و سرنوشت‌ساز در آن روز رخ داده است. از جمله این ایام روز عید غدیر خم است که در آیات و روایات و از آن به روز «اکمال‌الدین و اتمام النعمه» یاد شده است.

اسام باقر(ع) فرموده است: بنی الاسلام علی خمس: الصلوة و الزکوة و الصوم و الحج و الولاية و لم یناد بشیء اى نودی بالولاية یوم الغدیر؛
اسلام بر پنج پایه استوار شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و به هیچ چیز به اندازه آنچه در روز غدیر به ولایت تاکید شده، اند نشده است.
کافی ۲، ۲۱۴، ج ۲)
امام صادق(ع) نیز فرموده است: اتالی الاسلام ثلاثه: الصلوة و الزکوة و الولاية، لا صح واحدة منهن الا باحیثیها؛
سنسکهای زیربنای اسلام سه چیز است: نماز، زکات و ولایت که هیچ یک از آنها بدون دیگری درست نمی‌شود. (کافی: ۲، ۱۸، ج ۱)
امام کاظم(ع) در تفسیری زیبا از ولایت جاودانه سخن می‌گوید و می‌فرماید:
ولاية(ع) مكتوبة

فی صحف جمیع الانبیاء ولا ینبعث الله رسولا الا نبیوه محمد ووصیة علی (ع) و ولایت علی(ع) در کتابهای همه پیامبران ثبت شده است و هیچ پیامبری مبعوث نشد، مگر با ميثاق نبوت محمد(صلی الله علیه و اله و سلم) و امامت علی (ع). (سفینة البحار ۲: ۶۹۱)

داره؛ زیرا ولایت امری نیست که به امروز و دیروز جهان بستگی داشته باشد، بلکه حقیقتی است از آغاز تا انجام تا خداوند بود و هست، ولایت نیز بوده و هست.

این جایگاه ولایت و ارزش و اعتبار آن در سرنوشت بشر است که فریاد ابلیس و شیاطین را به آسمان بلند کرده است؛ زیرا شیطان بر آن است تا همه بشریت را به غروری بغرید و به دوزخ بکشاند(نساء، آیه ۱۱۹)، اما ولایت امیرمومنان علی(ع) تمام برنامه‌ها و طرح‌های شیاطنی را به هم ریخته است. از این رو روز عیدغدیر، روز ناله نومیودی شیطان است که در آیه ۳ سوره مائده بیان شده است.

امام باقر(ع) از پسر بزرگوارش امام صادق(ع) نقل کرد که فرمود: آن الیلسی عدولله در اربع رنات: یوم لعن، و یوم اھبط الی الارض، و یوم بعث النبی(ص) و یوم القدر؛ شیطان دشمن خدا چهار بار ناله کرد؛ روزی که مورد لعن خدا واقع شد و روزی که در زمین هبوط کرد و روزی که پیامبر اکرم(ص) مبعوث شد و

صفحه ۷

یک‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۸

۱۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ -شماره ۲۲۲۶۱

<div><div></div><div><div>چراغ راه</div></div></div>
<div><div></div><div><div>احمق‌ترین مردم</div></div></div>
<div><div></div><div><div>قال الامام علی(ع): «احمق الناس من انکر علی غیره ردیله و هو مقیم علیها»</div></div></div>
<div><div></div><div><div>امام علی(ع) فرمود: احمق‌ترین (کم‌عقل‌ترین) مردم کسی است که به غیر خود صفت زذل و پستی را ورشتت شمارد، و خود بر آن ایستادی داشته و دارای آن صفت باشد.^(۱)</div></div></div>
<div><div></div><div><div>۱- غررالاحکم، ج ۳۳۴</div></div></div>
<div><div></div><div><div>حکایت خوابان</div></div></div>
<div><div></div><div><div>براهین الهی را با اخلاق نرم ارائه دهید</div></div></div>
<div><div></div><div><div>در روایتی آمده است که روزی امام علی(ع) فرمود: ای مردم! من از پیرسید که در همه زمین‌ها غیر عرش خدا (که اختصاص به خدا دارد) پاسخگویم، و بعد از من هرکس این سخن را بگوید یا جاهل است یا دروغگو. ناگهان مردی که به نظر می‌رسید از یهودی‌های عرب بود برخاست و با حالتی امانت‌آمیز به مولا امیرالمومنین(ع) گفت: ای کسی که ادعای چیزی می‌کنی که نمی‌دانی!! و چیزی را به عهده می‌گیری که عمقش را نمی‌فهمی! من سوال دارم پاسخگو ی(من هستی!) اصحاب امام علی(ع) بسبب نراحت شدند و تصمیم گرفتند این بی‌ادب را تادیب کنند، حضرت نهیبشان زد و فرمود: ره‌ایش کنید، عجله نکنید که با تندی حجج الهی برپا نشده و براهین خداوند غالب نمی‌گردد. آنگاه رو به پیرمرد کرد و فرمود: هرچه می‌خواهی بپرس و هرچه را در دل داری ابراز کن!! او سسوالاش را ا پرسید. وقتی امام علی(ع) به همه سسوالاش پاسخ داد سری تکان داد و مسلمان شد و از ارادتندان ویژه حضرت شد.^(۱)</div></div></div>
<div><div></div><div><div>۱- بحرالانوار، ج ۵۷، ص ۲۳۱</div></div></div>

<div><div></div><div><div>پرسش و پاسخ</div></div></div>
<div><div></div><div><div>اثبات امامت علی (ع) با سیره پیامبر (ص)</div></div></div>
<div><div></div><div><div>پرشش: مهم‌ترین تلاش‌های پیامبراکرم(ص) که جانشینینی امام علی(ع) و خلافت بلافصل آن حضرت را اثبات می‌کند چه بود؟</div></div></div>
<div><div></div><div><div>پاسخ:</div></div></div>
<div><div></div><div><div>سیره و مجموعه تعاملات پیامبر گرامی(ص) و رفتارهای آن حضرت در خصوص امام علی(ع) به حدی شفاف و روشن است که برای هیچ‌گونه تردید وشبهه را در مورد جانشینی پیامبر(ص) و امامت آن حضرت باقی نمی‌گذارد. در اینجا به برخی از اهم این شاخص‌های رفتاری که دال بر اثبات امامت علی(ع) و جانشینی بلافصل آن حضرت است به نحو اجمال اشاره می‌کنیم:</div></div></div>
<div><div></div><div><div>۱- حدیث یوم‌الانذار</div></div></div>

پیامبر خدا بر اساس ای شریفه: «انذر عشیرتک الاقرین» و خوششان نزدیکتر از هشتاد بنده(شماره – ۲۱۴) مامور می‌شود خوششان خود را به اسلام دعوت کند. چون آنان بسا دعوت پیامبر گرد هم می‌آیند، حضرت می‌کوشد با قریب‌ترین اقربان و نزدیکان زمین را برای رساندن فهمانندین پیام اصلی به جمع حاضر آماده گرداند. سپس می‌فرماید: کلماتمان مرا بر این کار باری می‌دهد تا برآرد وصی و جانشین من در میان شما باشد؛ در آن جمع تنها کسی که به این فراخوان پاسخ مثبت می‌دهد. علی(ع) است. پیامبر خدا(ص) پس از آن پاسخ مثبت می‌فرماید: ای برادر و وصی و جانشین من در میان شما است. پس گوش به فرمان و مطیع او باشید. (تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۹)

۱- احادیث وصایت و وراثت

وصیت برای تدویم راه و حراسات مکتب، همواره سیره رسولان الهی بوده است. پیامبر گرامی نیز با تصریح به این حقیقت در موارد متعدد و مناسبت‌های مختلف وصایت و وراثت را برای علی(ع) رقم زده است. از جمله فرموده است: «لن لکل نبی وصیا و وارثا، و ان علیا وصی و وارثی» می‌گمان هر پیامبری (ص) وصی و وارث آن است. (تاریخ شریق، ج ۴، ص ۳۹۲)

در فصل «حادیث وراثت» متون روایی و تاریخی این حقیقت بر اساس منابع شیعه و سنی موجود است. این متون شامل جملاتی است که در آنها پیامبر خدا(ص) وصیت‌های خود را به فرزندان خود، وراثت علم و گنجینه دانش خود، و نهایتاً وارث به پیشوایان امت خویش معرفی می‌نماید. (معالم المدرستین، ج ۱، ص ۴۸۲)

۲- احادیث منزلت

از جمله شگوه‌مندترین عناوینی که پیامبراکرم(ص) با آن از علی(ع) یاد کرده است «همسانی» و «هم‌نشانی» علی(ع) با ایشان در کار رهبری است. این‌گونه احادیث در قلم و بیان علمان و محذنان به اقتضای صراحت کلام پیامبر به «حادیث منزلت» مشهورند. پیامبر خدا این جایگاه بلند علی(ع) را با عبارات مختلف از جمله با این عبارات طرح فرموده است: «لنت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لابی بعدی» تو برای من به منزله هارون برای موسی هستی، جز آنکه پیامبری پس از من نیست. (همان، ج ۲، ص ۳۷)

و در برخی نقل‌ها آمده است که پیامبراکرم(ص) پیش از این جمله صریحا فرموده است: «لنه لاید من امام و امیر، فانا الامام، و انت الامیر» مردمان امام و امیر ای لازم است، من امام تو امیر هستی. (همان).

۴- حدیث نقلین

حدیث نقلین با محتوایی واحد و گونه‌های بیانی مکرر، بارها به وسیله پیامبراکرم(ص) در مکان‌های مختلف: عرقه، مسجد خیمه غدیر خم، حجره شریفش به هنگام شدت بیماری در آخرین لحظات زندگی و… بیان شده است، و بسیاری از صحابه نیز آن را روایت و گزارش کرده‌اند. یکی از گونه‌های مختلف نقل این حدیث چنین است، در میان شما چیزی به یادگار می‌گذارم که پس از من تا وقتی بدان جنگ زبیدی، هرگز گمراه نگردید- یکی از آن دو بزرگتر از دیگری است که کتب خدا را رسانید، آنگاه شنیده شده از آسمان به زمین است- و عترتم، اهل بیتم هرگز این دو ازهم جدا نشوند تا در کنار حوض (کوثر) بر من وارد آیند. پس بنگرید در نبود من چگونه با آن دو رفتار می‌کنید. (سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۴۳)

سلوک عارفانه

آموزه‌های وحیانی اسلام

الگوی رفتاری سالکین است نه اشخاص

(بدان ای سالک راه خدا!) در اسلام آن چیزی که حکومت می‌کند یک چیز است، و آن قانون الهی (است). پیامبر اکرم(ص) هم به همان عمل می‌کرده است، خلفای او هم به همان عمل می‌کردند، حالا هم ما موظفیم که به همان عمل کنیم. قانون حکومت می‌کند. شخص هیچ حکومتی ندارد. آن شخص ولو رسول باشد، ولو خلیفه رسول خدا باشد. هنگام شدت بیماری در آخرین لحظات زندگی و… بیان شده است، و بسیاری از صحابه نیز آن را روایت و گزارش کرده‌اند. یکی از گونه‌های مختلف نقل این حدیث چنین است، در میان شما چیزی به یادگار می‌گذارم که پس از من تا وقتی بدان جنگ زبیدی، هرگز گمراه نگردید- یکی از آن دو بزرگتر از دیگری است که کتب خدا را رسانید، آنگاه شنیده شده از آسمان به زمین است- و عترتم، اهل بیتم هرگز این دو ازهم جدا نشوند تا در کنار حوض (کوثر) بر من وارد آیند. پس بنگرید در نبود من چگونه با آن دو رفتار می‌کنید. (سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۴۳)

- ↑ صفحهٔ امام، ص ۹ج ۲ص ۴۲۵
- ↑ همان، ج ۱۰، ص ۸۱

<div><div></div><div><div>صفحه معارف و روزهای شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود</div></div></div>
<div><div></div><div><div>تلفن‌های مستقیم: ۳۲۹۴۱۹۹۱ – ۳۲۲۱۰۲۲۲۱</div></div></div>
<div><div></div><div><div>Maaref@kayhan.ir</div></div></div>

^[1] صفحه معارف و پنج‌شنبه منتشر می‌شود